

ارزیابی توسعه آتی کشورهای منطقه در افق ۱۴۰۴ و اثرات آن بر ایران

محمدتقی آذرشب^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۳

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای که دارد، محور ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی، خصوصاً به عنوان مرکز ترانزیت کالا و از همه مهم‌تر انرژی، محسوب می‌شود. این پتانسیل‌ها علاوه بر منطقه خلیج فارس در ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی نیز وجود دارند. از میان بازیگران سطوح مختلف قدرت در این منطقه شامل ایران، روسیه، ترکیه، پاکستان و هند، ایران دارای پیشینه غنی فرهنگی و تاریخی و دارای پتانسیل‌های فراوان و محورهای تعاملی گوناگونی برای تبدیل شدن به بازیگری قوی در منطقه است. چشم‌انداز بیست ساله کشور، تبدیل شدن به جایگاه اول منطقه را در زمینه‌های اقتصادی و علمی و فناوری را برای ۱۴۰۴ در نظر گرفته است. داشتن دیپلماسی اقتصادی در کنار دیپلماسی سیاسی، برای رسیدن به این هدف الزامی است. در این میان آسیای مرکزی پتانسیل‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف دارد و در بین پنج کشور این منطقه، کشور ترکمنستان و اشتراکات آن با ایران در این زمینه قابل تأمل است. در صورت استفاده از ظرفیت‌های این منطقه، با گذشت حدود دو دهه از موجودیت این کشورها، ایران باید دارای موقعیتی تثبیت شده و ممتاز، خصوصاً در عرصه اقتصادی می‌بود، اما وضعیت موجود نشان از ضرورت بازنگری استراتژیک و حرکت توأم با عقلانیت و آینده‌نگری در این زمینه دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی^۲ تحلیلی به بررسی الزامات مورد نیاز در راستای رسیدن به اهداف چشم‌انداز با تأکید بر سیاست‌های اقتصادی می‌پردازد.

واژه‌گان کلیدی: سند چشم‌انداز، کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، بلوک‌های منطقه‌ای، پیش‌نیازهای اقتصاد ایران.

۱- دکتری مدیریت استراتژیک از دانشگاه سانتا مونیکا ایالات متحده آمریکا و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

مقدمه

استقرار ایران، به لحاظ جغرافیایی در آسیای جنوب غربی^۱، (منطقه و محدوده توسعه در سند چشم‌انداز)^۲ و نیز ویژگی ژئوپولوتیک و ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک ایران در منطقه^۳ موضوعی است که کشورمان را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی قرار داده است.

سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران با در نظر گرفتن شرایط تاریخی، نیازها و الزامات جهانی برای همگرایی و با توجه به رویکرد تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل با تکیه بر سیاست محوری، منطقه آسیای جنوب غربی را به عنوان حوزه تعامل منطقه‌ای مورد تأکید قرار داده است. لذا چشم‌انداز ملی هر یک از کشورهای منطقه می‌بایست در پرتو چشم‌انداز استراتژیک منطقه تفسیر شود تا با پرهیز از واگرایی و رقابتهای منفی، به یک ترکیب مناسب ظرفیتهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ دست یابیم. بنابراین

۱. شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه کوچک، خلیج فارس و شبه قاره (افغانستان و پاکستان)

۲. موضوعات مورد تأکید در زمینه تعاملات منطقه‌ای طبق سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ عبارتند از:

- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.
- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و بومیایی فکری و اجتماعی، تاثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

۳. شایان ذکر است ایران محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا بوده و نیز پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است. ضمن اینکه دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آبهای آزاد از طریق ایران امکان پذیر است.

تعامل با کشورها کارآترین ابزار برای کشورمان در رسیدن به اهداف و برنامه‌های آتی می‌باشد.

این دورنما، ضرورت توجه به منطقه گرایی اقتصادی در منطقه جنوب غرب آسیا را از دو جهت مورد تاکید قرار داده است. یکی از این جهت که منطقه مزبور نمی‌تواند از چشم حریص و منفعت جوی کشورهای صنعتی پیشرفته دور بماند و دوم به این دلیل که این منطقه با دسترسی به منابع غنی انرژی، لازم است بر اساس مزیت‌های نسبی خود مجاری رشد و توسعه اقتصادی خود را در آینده نه چندان دور جست و جو نماید. به همین جهت برای دستیابی به اهداف سند چشم انداز در چهار برنامه (پنج ساله) توسعه‌ای کشور در حیطه تعاملات منطقه‌ای در این مطالعه به تحلیل و بررسی خواهیم پرداخت.

آشنایی با کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی و جایگاه اقتصادی ایران در منطقه

منطقه آسیای جنوب غربی دارای حدوداً ۱۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت و شامل ۲۵ کشور با جمعیتی حدود ۵۳۰ میلیون نفر که ۵ حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان «آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره هند، خلیج فارس و خاورمیانه» را در بر گرفته است. کشورهای عربستان، ایران، قزاقستان، پاکستان، ترکیه، افغانستان، یمن، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، عمان، قرقیزستان، سوریه، تاجیکستان، اردن، آذربایجان، امارات متحده عربی، گرجستان، ارمنستان، فلسطین، کویت، قطر، لبنان، قبرس و بحرین جزء این منطقه می‌باشند شایان ذکر است ایران عضوی از مجموعه کشورهای خاورمیانه بوده و بخشی از زیر مجموعه آسیای جنوب غربی و عضوی از گروه کشورهای خلیج فارس و دریای خزر است.

این منطقه در سال ۲۰۰۷ دارای حجم اقتصادی معادل با ۲۱۷۶/۳ میلیارد دلار^۱ بود که سهمی حدود ۴ درصد از اقتصاد جهانی را شامل می‌شود. سهم تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه از تولید ناخالص جهانی در سال‌های اخیر از یک روند صعودی برخوردار است. اما نسبت بسیار کمی از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده است. مازاد تراز تجاری و مالی در منطقه همچنان بالاست و در پی ادامه روند افزایش قیمت‌نفت، انتظار می‌رود که در آینده نیز بالا باقی بماند.

حدود ۷۵ درصد ذخایر نفت جهان در این منطقه قرار دارد و در حدود یک سوم نفت و گاز جهان در این منطقه تولید می‌شود. آلومینیم دبی بزرگترین کارخانه آلومینیم جهان است. ازبکستان پنجمین تولیدکننده و دومین صادرکننده کتان در جهان است. کشورهای تازه استقلال یافته (ارمنستان و گرجستان) از لحاظ معادن مس، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان از لحاظ طلا و ارمنستان و ازبکستان در زمینه اورانیوم بسیار غنی هستند.

مقایسه وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه به دلیل اینکه این کشورها از لحاظ حجم اقتصاد، توزیع درآمد، تورم و میزان توسعه یافتگی از تنوع بالایی برخوردارند می‌تواند برای بهبود وضعیت اقتصاد ایران در منطقه مفید باشد بر اساس شواهد آماری^۲ مقایسه تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه نشان می‌دهد که تفاوت میان حجم اقتصاد کشورها در منطقه بسیار زیاد است؛ به طوری که کشور ترکیه با تولید ناخالص داخلی به میزان ۴۸۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷، تولید ناخالصی معادل ۱۵/۵ برابر کشور آذربایجان که ۳۱

۱. صندوق بین المللی پول (IMF) - سال ۲۰۰۷

۲. صندوق بین المللی پول (IMF) - گزارشات آماری ۲۰۰۸-۲۰۰۷

میلیارد دلار تولید ناخالص داشته است تولید ناخالص داخلی ترکیه با جمعیتی در حدود ایران و عربستان به ترتیب $1/73$ و $1/39$ برابر تولید ناخالص داخلی ایران و عربستان است. در سالهای نخستین سند چشم انداز ایران تنها $0/3$ درصد تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده است^۳ که این مقایسه بیانگر واقعیتی است که برای رسیدن به اهداف سند چشم انداز و رسیدن به قدرت اول اقتصادی در منطقه راه سختی را در پیش رو داریم.

تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای منطقه نیز بسیار بالا است. در سال ۲۰۰۷ کشور آذربایجان از رشد اقتصادی در حدود ۳۰ درصد برخوردار بوده است در حالی که در این مدت نرخ رشد اقتصادی در کشور سوریه حتی کمتر از ۴ درصد بود مقایسه رشد اقتصادی کشورهای منطقه با متوسط رشد جهانی و منطقه اروپا نشان می دهد که در سال ۲۰۰۷ کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی از رشد اقتصادی بهتری نسبت به سایر کشورهای جهان برخوردار می باشد متوسط رشد اقتصادی واقعی کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۷ همانند ۵ سال گذشته در حدود $4/3$ است که از متوسط رشد اقتصاد جهانی $3/5$ درصد بالاتر است اما رشد اقتصادی ایران در منطقه در حد متوسط است چرا که ایران از لحاظ میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درصد تجارت به تولید ناخالص ملی ایران و... در رتبه های پایین تری قرار دارد. این رشد اقتصادی متوسط نسبت به سایر کشورهای منطقه بعلاوه اتکای اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت بوده که اقتصاد ایران را بصورت اقتصاد تک پایه مبدل کرده است.

مقایسه تولید ناخالص داخلی سرانه نشان می دهد که دامنه تغییرات این متغیر در بین کشورهای منطقه بسیار بالا است. دامنه تغییر تولید ناخالص داخلی سرانه در منطقه بسیار

وسیع است و درآمد سرانه از ۳۰۰ دلار برای افغانستان تا ۹۳ هزار دلار در سال برای قطر متغیر بوده است کشور امارات متحده با تولید ناخالص سرانه‌ای برابر با ۴۲ هزار دلار برای سال تفاوت قابل توجهی با بقیه کشورهای منطقه دارد ولی در مجموع اکثر کشورهای منطقه از تولید ناخالص سرانه‌ای کمتر از ۱۰ هزار دلار برخوردار است که این نشانگر فقر نسبی و توزیع ناعادلانه ثروت در بین کشورهای منطقه است^۱

با وجود اینکه کشورهای منطقه از رشد اقتصادی نسبتاً بهتری برخوردار هستند، همچنان برخی از کشورهای منطقه مانند ایران و آذربایجان از نرخ‌های تورم بالایی رنج می‌برند نرخ تورم ایران سالهاست که دو رقمی است و در حال حاضر میزان تورم در کشور ۲۱/۵ درصد است^۲ که در میان کشورهای منطقه بالاترین نرخ تورم محسوب می‌شود. مقایسه نرخ تورم کشورهای منطقه با جهان و منطقه اروپا نشان می‌دهد که اکثر کشورهای منطقه تورم بالاتری نسبت به جهان را دارا هستند یکی از دلایل اصلی تورم بالا و رشد قیمت‌ها را می‌توان ناشی از رشد تقاضا و ورود سرمایه‌های خارجی و... دانست همچنین افزایش شدید قیمت جهانی نفت و تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد داخلی باعث افزایش نقدینگی و به تورم دو رقمی در برخی از کشورهای صادرکننده نفت گردیده است در این کشورها تورم بسیار بالا منجر به تقویت پول خارجی و تضعیف پول ملی گردیده است.

جریان ورود عظیم سرمایه خارجی همراه با منابع عظیم داخلی باعث شده که کشورهای منطقه شروع به تأمین مالی طرح‌های عظیم در توسعه منابع طبیعی و زیر ساخت‌ها به منظور متنوع کردن اقتصاد بپردازند در این مدت برخی از کشورها مانند ترکیه، عربستان سعودی و

۱. براساس گزارش بانک مرکزی در ایران درآمد سرانه ۲۰۰۰ دلار در سال بوده و براساس محاسبات تولید ناخالص

داخلی بر پایه برابری قدرت خرید PPP این رقم به ۴۵۰۰ دلار می‌رسد.

۲. میزان تورم در ۱۲ ماه منتهی به تیر ۱۳۸۷ نسبت به مدت مشابه سال قبل

امارات در جذب سرمایه‌های خارجی بسیار موفق عمل کرده‌اند. در حالی که برخی دیگر از کشورها عملکرد بسیار نامناسبی در این زمینه از خود نشان داده‌اند البته عملکرد اقتصادی کشورهای منطقه در سال‌های اخیر به‌خصوص در کشورهای آسیای میانه از روند خوبی برخوردار بوده است.

اکثر کشورهای منطقه در رتبه بندی جهانی از وضعیت مناسبی در مورد شاخص توسعه انسانی برخوردار نیستند. ایران از نظر شاخص توسعه انسانی در رتبه ۱۰۱ از میان ۲۱۰ کشور جهان قرار دارد. اگرچه میزان امید به زندگی و نرخ بیسوادی کاهش چشمگیری پیدا کرده است اما با توجه به میزان درآمد سرانه، ایران هنوز از نظر شاخص توسعه انسانی در حد متوسطی است. شایان ذکر است نرخ دسترسی به اینترنت به جز کشورهای ایران و امارات بقیه کشورهای منطقه، در حد پایین‌تری نسبت به متوسط جهانی قرار دارند.

منطقه گرایی و پیش نیازهای اقتصاد ایران در گسترش تعاملات منطقه‌ای

منطقه گرایی، شیوه‌ای برای ساختار جهانی شدن از طرف کشورهای در حال توسعه می‌تواند فرصت مناسبی برای کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی محسوب گردد. البته موفقیت این کشورها در این موقعیت، به رفتار اقتصادی و سیاسی آنها از یک طرف و رفتار برخی از مراکز بین‌المللی از طرف دیگر بستگی دارد.

درچنین چارچوبی برنامه‌ریزی اقتصادی الزاماً نمی‌تواند یک امر داخلی باشد و اقتصاد جهانی رابطه مستقیمی با نحوه تعامل میان واحدهای ملی و منطقه‌ای دارد، در نتیجه شناخت وضعیت موجود منطقه و بررسی شرایط اقتصادی آن از اهمیت بالایی برخوردار است که هدف اصلی در این بخش پرداختن به این موضوع است.

امروزه منطقه‌گرایی نوین در تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله ایران در پی نیاز کشور به تعاملات اقتصادی مؤثر بوده است. ارائه این سند، موجب ایجاد وحدت ملی و بنا نهادن یک استراتژی مکتوب ملی در سطح منطقه‌گرایی است. چرا که این سند، پلی بین آرمان‌ها و واقعیت‌ها همراه نظریات علمی و تجارب صد سال اخیر کشور است. بر پایه این سند، نقش ایران در بیست سال آینده فراملی، منطقه‌ای و دارای نقشی ویژه در سطح بین‌المللی است.

ایران در سالهای بعد از انقلاب موضوع منطقه‌گرایی را بشدت دنبال نموده است. این سیاست در مجموعه اهداف، راهبردها و سیاست‌های خارجی ایران منطبق با اهداف سیاست خارجی ایران منعکس در قانون اساسی است. در سالهای آینده نیز همچنان منطقه‌گرایی از استراتژی‌های عمده سیاست خارجی ایران خواهد بود. زیرا اتخاذ راهبردهای مبتنی بر منطقه‌گرایی باعث تضمین توسعه درازمدت ایران خواهد شد.

گفتنی است آغاز اجرای سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه چهارم توسعه، ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در مورد اصل ۴۴ قانون اساسی، پذیرش درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO) و انعقاد موافقتنامه‌های تجاری در چارچوب ترتیبات منطقه‌ای در گذشته و در حال حاضر (مثل پیمان (R.C.D)، اکو، دی هشت، پیمان شانگهای، اتحادیه اقیانوس هند، کنفرانس اسلامی، پیمان G15 و شورای همکاری خلیج فارس) بستر لازم برای توسعه اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی فراهم آورده است. در چارچوب اجرای این سیاستها و برنامه‌ها است که دولت اولویت‌های اصلی خود را در سیاست خارجی مبتنی بر تأمین منافع ملی، تحکیم پیوندها و حفظ امنیت منطقه‌ای از طریق روابط دو یا چند جانبه توسعه داده است.

مشخصه اصلی اقتصاد ایران در ۵۰ سال گذشته، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی برای هزینه‌های جاری عمرانی کشور بوده است. با این حال پس از انقلاب به دلیل نگرانی‌های ناشی از پایان پذیری ذخایر نفتی و نیاز به حفظ این ثروت ملی برای نسل‌های آینده، بحث افزایش صادرات غیرنفتی و ضرورت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی برای تأمین هزینه‌های جاری کشور، مورد توجه مسئولان قرار گرفت. البته باید یادآور شد که جنگ تحمیلی مانع از آن شد تا این بحث جنبه عملی و اجرایی پیدا کند، اما در دوران پس از جنگ این موضوع توجه ویژه‌ای را در محافل سیاسی و اقتصادی کشور به خود جلب نموده و به عنوان یک رهیافت اساسی در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور منعکس شده است.

بدون تردید، برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کشور، به ویژه سیاست جهش صادراتی به منظور کاهش اتکاء به درآمدهای نفتی، دولت نیازمند برنامه ریزی دقیق در دو محور اساسی ذیل است.

۱- جذب هر چه بیشتر سرمایه گذاری داخلی و خارجی برای حفظ و ارتقاء ظرفیتهای تولیدی کشور

۲- بازاریابی برای افزایش صادرات کالا (غیرنفتی) و صدور خدمات فنی و مهندسی
با این توصیف رسیدن به اهداف فوق از طریق تعاملات منطقه‌ای و منطقه‌گرایی، یکی از اولویت‌های سیاست تجارت خارجی ایران بوده که طی سال‌های اخیر تلاش‌های جدی در این زمینه صورت گرفته است به طوری که علاوه بر بلوکهای اقتصادی و منطقه‌ای^۱ که

(۱) پیمان (R.C.D) اکو، دی هشت، پیمان شانگهای، اتحادیه اقیانوس هند، کنفرانس اسلامی، پیمان G15 و شورای همکاری خلیج فارس و....

تاکنون ایران در آنها عضویت و شرکت داشته است، اخیراً کشورمان به عضویت چند بلوک اقتصادی اسلامی نیز در آمده است.

در حال حاضر افزایش مشارکت بخش خصوصی، ارتقای بهره وری، تسهیل مقررات بازرگانی، برقراری مقررات مالی، اجرای سیاست تمرکززدایی، به کارگیری منابع صندوق ذخیره ارزی و توازن منطقه‌ای و ... از پیش نیازهای مهم و اصلی اقتصاد ایران در تحکیم و توسعه روابط منطقه‌ای است. هر چند که تداوم قیمت‌های بالای نفتی نیز فضای مساعدی را برای تحقق این اهداف فراهم آورده است اما با تلاش برنامه ریزان و سیاستگذاران کشور می‌توان با اصلاح سیاستهای موجود در کشور از جمله

- ۱- حمایت‌های خاص از بعضی صنایع داخلی
 - ۲- وجود تعدد در نرخهای تعرفه
 - ۳- عدم فعالیت بانکهای خارجی
 - ۴- کنترل واردات با حمایت از بخشهای خاص اقتصادی
 - ۵- محوریت نقش دولت در بازرگانی خارجی
 - ۶- وجود انحصارات دولتی
 - ۷- بازننگری در سیاستهای حمایتی
- و نیز بررسی و اصلاح مقررات صادرات و واردات کشور، قانون انحصار تجارت خارجی، قانون اساسی به ویژه مواد (۵۱، ۴۴ و ۷۷)^۱، قوانین و مقررات گمرکی، قانون بودجه

۱. فراهم شدن زمینه‌های تسریع خصوصی سازی و تشدید انگیزه‌های رقابتی - الزام اصلاح قانون مالیات کشور - تبیین و تشریح آشکار موافقتنامه های بین المللی

کشور^۲، قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، قوانین بیمه و تأمین اجتماعی، قوانین مالیاتی کشور و قوانین بانکداری بسترهای لازم را در این زمینه برای برخوردار شدن از مزایای منطقه گرایی (تاکید شده در سند چشم انداز) فراهم نمود. مهم ترین اقداماتی که برای رسیدن به اهداف چشم انداز در افق ۱۴۰۴ در تمام بخشها به ویژه در حیطه تعاملات منطقه‌ای، ضروری است مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- تعیین الزامات و مقدمات اجرایی
- برنامه ریزی صحیح برای تحقق اهداف
- رفع شکاف موجود میان امکانات اجرایی و اهداف بلندمدت
- یافتن روش های مشارکت فعال همه بخش های کشور در راستای تحقق اهداف
- چگونگی استفاده از فرصت ها

فرصت ها و تهدیدهای موجود در توسعه کشورهای منطقه

ایران از توانمندیها و پتانسیل های بالایی در زمینه های اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی برخوردار است که برای تمامی کشورهای منطقه جذاب می باشد. به طور مثال در بررسی روابط ایران با کشورهای همسایه می توان گفت که بازار عراق، بازاری دست نخورده و جذاب برای محصولات ایران است و ایران علاقه وافری به سرمایه گذاری در زیرساخت های اقتصادی عراق به ویژه در بخش های نیرو، حمل و نقل و محیط زیست دارد. این سرمایه گذاری ها می تواند تأمین کننده اهداف فراوانی برای ایران باشد.

۲. شایان ذکر است قانون بودجه سالیانه است و هر ساله تغییر می کند و واضح تر بیان می شود. بنابراین در راستای کاهش حجم تصدی های دولت و تقویت بخش خصوصی جهت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ضروری است.

رقابت و کاهش سیطره اقتصادی با کشورهای غربی ذی نفوذ در عراق و افزایش نفوذ در این کشور با بهره برداری از عنصر سرمایه گذاری، برخی از این اهداف به شمار می‌روند. آنچه مسلم است، وجود ارتباطات و تعاملات اقتصادی دوطرفه، پایه محکمی برای حفظ و تقویت روابط دو جانبه میان عراق و ایران به حساب می‌آید که اثرات آن در بلندمدت (به ویژه در چشم انداز ۲۰ ساله) نیز باقی خواهد ماند.

همینطور سوریه تنها کشور عربی است که مکرراً از حق ایران برای استفاده از انرژی صلح آمیز هسته‌ای دفاع کرده است. در واقع، دو کشور مصمم هستند که روابط خود با یکدیگر را به گونه‌ای توسعه دهند که منافع استراتژیک هر دو کشور تأمین گردد.

افغانستان نیز اخیراً با آگاهی از اهمیت همکاری منطقه‌ای در احیای افغانستان بیابانه معروف روابط حسنه با کشورهای همسایه خود یعنی ایران، پاکستان، چین، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان را صادر نموده است. برای این شش کشور، بازسازی افغانستان از طریق همکاری‌های تجاری و اقتصادی، فرصت گرانبهایی جهت تأثیرگذاری و نفوذ در تحولات آتی این کشور و حصول اطمینان از به قدرت رسیدن گروه‌های قومی ایجاد نمود. قرارداد همکاری جهت استفاده از مرزهای آبی ایران توسط افغانستان، موافقتنامه همکاری تجاری جدید افغانستان با ایران در زمینه صادرات غیر نفتی (بدون پرداخت عوارض، از بنادر ایران به ویژه بندر چابهار)، امضاء قرارداد همکاری افغانستان، ایران و هند جهت بازسازی راه‌های مواصلاتی و ساخت یک خط راه آهن از بندر چابهار و فراهم شدن زمینه‌های مناسب برای صادرات ایران به افغانستان بسترهای لازم فراهم شده، برای گسترش تعاملات منطقه‌ای ایران است.

یکی ابزارهای فرصت ساز برای ایران در منطقه سهم قابل توجه ایران در بازارهای نفتی جهان است. بدیهی است، قطع صادرات نفت ایران با کاهش میزان عرضه، به افزایش قابل توجه قیمت نفت منجر خواهد شد به ویژه با وجود رقابت بین کشورهای صادرکننده نفت در منطقه با بهره برداری از فرصت پیش آمده، احتمالاً به این مسأله شدت بیشتری خواهند داد البته ادامه روند افزایش قیمت نفت و همچنین کالاهای غیرنفتی، ثبات در رشد اقتصادی جهانی و محیط مطلوب بین‌المللی از لحاظ تأمین مالی و همچنین استفاده از سیاست‌های اقتصادی مناسب در کشورهای منطقه، در عملکرد مطلوب اقتصادی این کشورها بسیار مؤثر خواهد بود.

بنابراین وجود ظرفیتهای متعدد در راستای همکاریها و گسترش بازارها و سرمایه گذاریهای مشترک منطقه‌ای و جهانی و وجود بازار مناسب برای محصولات صنعتی و کشاورزی ایران در منطقه و جهان از عمده‌ترین فرصتها برای کشورمان در افق ۱۴۰۴ می‌باشد.

وابستگی اقتصادی ایران به درآمدهای نفتی و تقاضای کشورهای واردکننده، از تهدیدهای اصلی برای اقتصاد کشور در منطقه می‌باشد. چون از یک سو، بیش از نیمی از درآمدهای ارزی ایران به نفت وابسته است و از سوی دیگر، ایران روزانه حدود ۲/۳ میلیون بشکه نفت به بازارهای جهانی صادر می‌کند.

در حال حاضر تورم و رشد قیمت‌های ناشی از رشد تقاضا و ورود سرمایه‌های خارجی از مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی کشورهای منطقه است. با وجود اینکه بسیاری از این کشورها از سیاست‌های پولی استفاده می‌کنند ولی همچنان نرخ متوسط تورم برای

کشورهای منطقه بیش از متوسط جهانی است و این افزایش شدید قیمتها در برخی از کشورهای صادرکننده نفت در این منطقه بسیار قابل توجه است.

تلاش برای تداوم رشد اقتصادی، وجود ریسک‌های سیاسی، نرخ بالای بیکاری. موانع موجود در جذب سرمایه‌های خارجی در اقتصاد داخلی نیز از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای منطقه است.

افزایش شدید در قیمت نفت و دیگر مواد معدنی، نقدینگی منطقه‌ای را بسیار افزایش داده است و منجر به تجمع حجم بزرگی از ذخایر بین‌المللی شده است البته مخاطرات زیادی نیز در این زمینه وجود دارد که مانع از تحقق چشم‌انداز مثبت برای کشورهای منطقه می‌شود و به نظر می‌رسد منطقه در مقابل این مخاطرات بالقوه دوباره به دوران رکود برگردد. مهم‌ترین چالش اقتصادی منطقه تداوم رشد و حتی شتاب بخشیدن به آن به منظور کاهش فقر و بیکاری است رشد بالا تاکنون نتوانسته به تولید و اشتغال متناسب با رشد سریع نیروی کار بیانجامد و جمعیت زیر خط فقر هنوز به‌طور رضایت بخشی کاهش نیافته است و حتی در برخی از کشورهای فقیر افزایش نیز یافته است ناکافی بودن توانایی‌های لازم در زمینه مدیریت اثرات کلان اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های عظیم خارجی از دیگر چالش‌های مهم برای کشورهای با درآمد پایین منطقه است.

ممانعت و عدم تمایل کشورهای پیشرفته نسبت به تبدیل شدن ایران به "کانون منطقه" و تلاش برای کاهش نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با استفاده از تبلیغات سوء و نیز حضور آمریکا و توسعه نفوذ این کشور در دولت‌های منطقه در پی تلاش برای ایجاد تفرقه در منطقه و بالاخره سرمایه‌گذاری وسیع کشورهای توسعه یافته برای جذب نیروی انسانی متخصص ایرانی و فرار سرمایه‌ها از کشور، عمده‌ترین چالشها و تهدیدات جدی پیش روی

دورنمای ۱۴۰۴ ایران است که در صورت بی توجهی و عدم رفع موانع احتمالاً منجر به تزلزل جایگاه کشورمان در منطقه خواهد شد.

نتیجه گیری

تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در ۲۰ سال آینده از جایگاه ویژه‌ای در سند چشم‌انداز برخوردار است. لذا منطقه‌گرایی از موضوعات پر اهمیت برای این تعامل مؤثر در سطح بین‌الملل بوده و گرفتن سهم مناسب بازار جهانی مستلزم تعامل و تفاهم با مناطق مختلف جهان و نیز سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این راستا سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران، می‌تواند راهنمای واقعی برای برنامه‌های دولت در سیاست خارجی (تعاملات منطقه‌ای) باشد. استراتژی‌های مناسب برای رسیدن به اهداف مندرج در این سند بایستی طراحی شود. این موضوع نیازمند طراحی نقشه‌ای برای رسیدن به جایگاه طبیعی کشور در منطقه است.

مهم‌ترین اقداماتی که برای رسیدن به اهداف چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ در تمام بخشها به ویژه در حیطه تعاملات منطقه‌ای، ضروری است مورد توجه قرار گیرد عبارتند از:

- تعیین الزامات و مقدمات اجرایی
- برنامه‌ریزی صحیح برای تحقق اهداف
- رفع شکاف موجود میان امکانات اجرایی و اهداف بلندمدت
- یافتن روش‌های مشارکت فعال همه بخش‌های کشور در راستای تحقق اهداف
- چگونگی استفاده از فرصت‌ها

در نظر گرفتن فرصتهای گرانبهایی چون توانمندیها و پتانسیلها بالقوه و بالفعل کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی، داشتن روابط حسنه با کشورهای همجوار، همسایه و منطقه، سهم قابل توجه ایران در بازارهای نفتی جهان، وجود ظرفیتهای متعدد در راستای همکاریها و گسترش بازارها و سرمایه‌گذاریهای مشترک منطقه‌ای و جهانی و وجود بازار مناسب برای محصولات صنعتی و کشاورزی ایران در منطقه و جهان به دنبال تلاش برای مقابله با تهدیدهای موجود و پیش روی کشور آینده، مطلوبی را برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی ایران در منطقه پیش بینی نموده است.

توصیه‌های سیاستی و راهکارها

۱) کشورهای دارای درآمد پایین می‌بایستی با استفاده از سیاست‌های اقتصادی پیشرفته و با مدیریت صحیح منابع و سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها و به‌خصوص در زمینه انرژی و حمل‌ونقل، جذابیت زیادی برای جذب سرمایه‌های خارجی ایجاد کنند.

۲) تمام کشورهای منطقه باید از منافع نهادهای مالی بسیار توسعه یافته و بازارهای پولی قوی‌تر استفاده کنند و همکاری‌ها و یکپارچگی‌های بین کشورهای منطقه بایستی افزایش یابد چرا که نیاز برای بکارگیری کارآی پس‌اندازها، همکاری‌های بین‌المللی را بیش از پیش با اهمیت می‌کند.

از آنجا که تضعیف دلار^۱ (بعنوان پول واحد در بلوکهای منطقه‌ای) باعث افزایش تورم و دستمزدهای کشورهای عضو در بلوکهای منطقه‌ای می‌شود لذا استفاده از پول واحد یورو

۱. کاهش دلار در برابر یورو

و یا پول واحد مورد قبول تمام کشورهای عضو در اتحادیه‌های منطقه‌ای (به ویژه کشورهای منطقه) ضروری است.

شایان ذکر است چون پول‌های رایج بلوکهای منطقه‌ای به ویژه در کشورهای آسیایی به دلار وابسته هستند و در عمل، دلار به عنوان پول رایج منطقه محسوب می‌شود بنابراین وقتی که از ارزش دلار کاسته می‌شود، وارداتی که بر اساس پولی غیر از دلار صورت می‌گیرد در این بلوک‌ها گران‌تر می‌شود و این مساله روی میزان تورم یک تأثیر ناگهانی دارد و از آنجا که اروپا بزرگترین صادر کننده به کشورهای عضو بلوکهای منطقه‌ای به ویژه منطقه خاورمیانه است بنابراین وقتی ارزش یورو نسبت به دلار رشد داشته باشد این موضوع به این معنی خواهد بود که قیمت کالاها و خدمات اروپایی افزایش می‌یابد.

پیشنهاد دومی که در این راستا وجود دارد این است که عمل جانشینی می‌تواند این روند را خنثی کند هر چند جانشینی کالاها و خدمات اروپایی با کالا و خدمات امریکایی که بر اساس دلار امریکا است، همیشه امکان پذیر نیست. ولی در این راستا بازارهای بزرگ کشورهای منطقه و عضو بلوکهای تجاری می‌توانند خرید از منابع آسیایی و امریکای شمالی را افزایش دهند و کمتر از اروپا کالا و خدمات مورد نیاز خود را تأمین نمایند. بنابراین کاهش ارزش دلار به نوعی می‌تواند بر میزان تورم تأثیر بگذارد. در مورد فشار افزایش دستمزدها هم باید گفت که این مساله در مورد کشورهایی که در آن کارگران مهارتهای بیشتری دارند رواج پیدا می‌کند. با این توصیف کاهش ارزش دلار امریکا و افزایش دستمزد و نرخ بهره می‌توانند یک تجارت توانمند را دچار مشکل نمایند. که پیشنهاد مندرج در این بند برای جلوگیری از بروز چنین مسایلی مؤثر و مفید خواهد بود.

۳) کشورهای منطقه می‌توانند با شفاف کردن سیاستهای اقتصادی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت تولید کنندگان، ایجاد سازگاری بین سیاستهای کلان اقتصاد و هماهنگ ساز کردن آن سیاستها با سیاستهای بین المللی، ایجاد زیرساختها لازم برای تکنولوژی، توجه کافی به بومی کردن تکنولوژی و اتخاذ یک استراتژی بلند مدت در جهت توسعه خود را برای رویارویی با چالشهای جهانی شدن اقتصاد مهیا سازند.

۴) کشورهای منطقه به منظور مقابله با چالشهای اقتصاد جهانی و برای جلوگیری از عقب ماندگی در عرصه رقابت جهانی و منطقه‌ای، ناگزیر بایستی در مورد بازسازی فوری ساختارهای اقتصادی خود اقدام نموده و به مزیت‌های نسبی بها و اهمیت دهند. امروزه جهانی شدن ایجاب می‌کند که کشورهای منطقه تلاش‌های همکاری جویانه ای داشته باشند. در این راستا ضروری است که نهادهای قدیم، اصلاح شده یا نهادهای جدید، ایجاد شوند که توانایی مقابله با چالشهای اقتصادی نظیر مشکلات توزیعی و آسیب پذیری متقابل از جهانی شدن و منابع و مکانیسم‌های قابل توجهی نظیر اقتدار و توان تصمیم‌گیری فراملی به همراه شفافیت و پاسخگویی مناسب در اختیار داشته باشند.

۵) از لحاظ زیربنایی ایجاد شبکه‌های نوین ارتباطی به منزله زیربنای عنصر اطلاعات و حضور سرمایه، سرمایه گذار و فناوری خارجی باید در دستور کار باشد تا با فشردگی زمان و مکان، امکان همسانی فناوری و هم زمانی تولید کالا در کشورهای منطقه با جهان فراهم آید. زیرا کشورهای منطقه به عنوان کشورهای در حال توسعه چه بازیگر باشند و چه تماشاگر از آن تأثیر خواهند پذیرفت. بنابراین داشتن استراتژی و برنامه مناسب از روش‌های علمی برای ورود به اقتصاد جهانی الزامی است تا این که از تبعات منفی جهانی شدن اقتصاد کاسته شود. لذا تقویت سهم ایران در اطلاع رسانی جهانی و منطقه‌ای، ایجاد بازار مشترک

منطقه‌ای، مراکز رسانه‌ای، مراکز دانشگاهی و علمی مشترک جهت تبادل فناوری میان کشورهای منطقه و گسترش راههای ارتباطی و مواصلاتی میان کشورهای منطقه و از همه مهمتر تقویت و استحکام روابط اقتصادی، سیاسی و ... با یکدیگر از پر اهمیت‌ترین موضوعات در همکاریهای منطقه‌ای، مورد تاکید در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ است.

۶) گسترش و توسعه مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری^۱ بعلا نقض مؤثر این مناطق در تشکیل بلوکهای منطقه‌ای، هم اکنون این نیاز در کشور و سایر کشورهای منطقه برای رسیدن به اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله ایران احساس می‌شود.

۷) عامل اصلی در جذب سرمایه گذاری خارجی در کشورهای منطقه، نحوه سیاستگذاری کلی دو یا چند کشور در حوزه‌هایی مثل سیاستهای قوی اقتصاد کلان، حقوق مالکیت منسجم و بخشهای مالی و بانکداری کارآ می‌باشد. بنابراین ترتیبات تجاری منطقه‌ای در صورتیکه اعتبار سیاستگذاری و اندازه بازار را به شکل قوی‌تری افزایش دهد می‌تواند سرمایه گذاری را در سطح منطقه تقویت کند و در عین حال بایستی در مجموع با سیاستگذاری کشورهای منطقه به‌ویژه در ایران که لازمه آن در حال حاضر انجام اصلاحات در قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای است، همراه باشد.

۸) راهبرد تبدیل شدن به کانون منطقه، از طریق تاکید بیش از پیش بر گسترش تعاملات منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، علمی و فن آوری با رعایت " اصول عزت، حکمت و مصلحت " ^۲، راهبردی مناسب، جامع و جذاب برای تحقق چشم انداز ۲۰ ساله ایران است. البته در این راستا تبدیل شدن به مرکز تعاملات و بازار منطقه از ابعاد مختلف اقتصادی،

۱. در حاضر در کشور ۱۷ منطقه ویژه و ۶ منطقه آزاد وجود دارد که تنها ۶ منطقه موفق به جذب سرمایه گذاری خارجی شده‌اند.

۲. مورد تاکید در سند چشم انداز ۲۰ ساله ایران

علمی و فن آوری و داشتن یک چشم انداز مشترک با حرکت همه کشورهای منطقه به یک سمت هم جهت، هم راستا و متمرکز روی اهداف، بهترین عامل اتحاد ملی است و گره زدن منافع و منابع کشور با منافع منطقه موجب ایجاد امنیت برای ایران و گسترش روابط اقتصادی کشور در منطقه خواهد شد.

۹) برای توسعه روابط اقتصادی کشورهای منطقه به ویژه ایران، ایجاد ثبات در سیاست خارجی و تقویت روابط خارجی از طریق بهره گیری از روابط بین‌المللی برای افزایش توان ملی، تلاش برای همگرایی بیشتر با کشورهای منطقه و برای تبدیل مجموع کشورهای اسلامی و دوست منطقه، به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فن آوری و صنعتی، تقویت و تسهیل حضور فرهنگی ایران در مجامع جهانی و سازمانهای فرهنگی، ایجاد اتحادیه و سازمانهای منطقه‌ای و حتی جهانی با محوریت ایران، ارائه طرح اتحادیه منطقه مشابه اتحادیه اروپا، حضور فعالتر در پیمانهای منطقه‌ای موجود، تدوین سیاستها و قوانین مربوط به تسهیل سرمایه گذاری خارجی و اولویت دادن به واردات از کشورهای منطقه به جای سایر کشورها، استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور، تولید محصولات منتخب با کیفیت و قیمت رقابتی، پیشنهاد تعیین یک زبان مشترک برای منطقه، پیشنهاد تعیین پول واحد برای منطقه، تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی و جذب دانشجویان از کشورهای منطقه، اعزام دانشجویان به کشورهای منطقه، برگزاری بازیهای ورزشی در سطح منطقه، حضور فعال در اینترنت، برگزاری همایشهای مختلف منطقه‌ای، مهاجرپذیری کنترل شده از کشورهای دوست منطقه، ایجاد اتاق تفکر برای همکاری کشورهای منطقه و تشویق متفکران به تولید محتوا در اینترنت و ارائه مطالب در همایش‌ها و نمایشگاهها و انتشار آن از طریق رسانه‌های منطقه، توسعه ترانزیت کالا در منطقه، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی از جمله تولید فیلم‌های

غنی به تعداد زیاد با هدف تاثیرگذاری بر ذهنیت مردم منطقه نسبت به ایران و توسعه ارتباطات مخابراتی با کشورهای منطقه با تاکید بر تقویت شبکه‌های داخلی امن و پایدار، تقویت سفارت خانه‌های ایران در زمینه فرهنگی، علمی و فن آوری ضرورتی اجتناب ناپذیر برای تحقق اهداف در افق ۱۴۰۴ ایران و داشتن جایگاه برتر کشور در منطقه است. در خاتمه پیشنهاد می‌شود به منظور کاستن از حساسیت در منطقه و اعتمادسازی بین کشورهای منطقه، در مرحله نخست راهبرد تبدیل شدن به کانون منطقه بایستی از طریق تعاملات بین منطقه‌ای صورت گیرد و در مراحل بعد این کانون به یک کانون فعال و تاثیرگذار تبدیل شود که امیدواریم در آینده نزدیک با رفع موانع موجود و اتخاذ سیاستهای کاربردی با توجه به توصیه‌های سیاستی ارائه شده در این مطالعه دستیابی به اهداف توسعه کشور در منطقه و کسب جایگاه برتر در برنامه ۲۰ ساله کشور محقق شود.

منابع

- (آذرشب، محمد تقی (۱۳۸۹). مجموعه مقالات حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- (اردشیر لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳). حکومت مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: سروش.
- (افراخته، حسن (۱۳۸۲). «تأثیر جهانی شدن بر بخش روستایی (نمونه فیلیپین)»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مهر و آبان، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
- (امونه، اگناسیور (۱۳۷۷). آیا جهان به سوی هرج و مرج می‌رود، ژئوپلتیک سردرگم، ترجمه پریچهر شاهسونند، تهران: عطا.
- (اندروینست (۱۳۸۱). نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- (چامسکی، نوام (۱۳۸۲). بهره‌کشی از مردم- نئولیبرالیسم و نظم جهانی، مترجم حسن مرتضوی، چاپ دوم، تهران: نشر دیگر، تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۹.
- (دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- (رشنو، نبی‌اله (۱۳۸۲). ژئوپلتیک نخبگان، چاپ اول، تهران: نشر کویر.
- (رضایی، محسن (۱۳۸۴). ایران منطقه‌ای، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- (رضایی، محسن (۱۳۸۵). ایران آینده در افق چشم انداز، تهران.
- (رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰). توسعه و اقتصاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- (ساعی، احمد (۱۳۷۸). مسائل سیاسی، اقتصادی جهان سوم، تهران: سمت.
- (سریع القلم، محمود (۱۳۷۵). توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، تهران: سفیر.
- (سریع القلم، محمود (۱۳۷۳). عقل و توسعه یافتگی ایران، مبانی ثابت پارادایم توسعه، تهران: علمی و فرهنگی.
- (سریع القلم، محمود (۱۳۸۰). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

- (سلیمی، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن، تهران: سمت.
- (سوئیزی، پل و دیگران (۱۳۸۰). جهانی شدن با کدام هدف؟ مترجم ناصر زرافشان، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- (سیف، احمد (۱۳۸۲). «جهانی کردن: واپسین مرحله امپریالیسم»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
- (سیف، احمد (۱۳۸۳). «جهانی کردن و فرضیه چارلز داروین»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۲-۲۰۱، خرداد و تیر.
- (سیف زاده، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین الملل فردی، جهانی شده، تهران: وزارت امور خارجه.
- (شفیعی، مسعود (۱۳۸۰). راهبرد ملی توسعه، با نگاهی به تجزیه انگلستان، تهران: کتابخانه صدر.
- (کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۰). جهانی شدن فرهنگ و سیاست، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
- (گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- (قظمیری، محمدعلی (۱۳۸۲). «جهانی شدن اقتصاد عوامل، اثرات، واکنش‌های بین المللی و راه حل‌ها»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی (مهر و آبان)، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
- (مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۵). جلد ۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
- (مجموعه مقالات اجلاس مرکزی همایش‌های منطقه‌ای در افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۷). جلد ۱ و ۲، مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- (ملکی عباس (۱۳۸۵). «سند چشم‌انداز و روابط خارجی ایران»، همایش ظرفیتها و بایستگی‌های چشم‌انداز، تهران ۱۳-۱۲ اسفند.
- (ولاین، دیوید (۱۳۸۱). پسامدرنیته، مترجم محمدرضا تاجیک، چاپ اول، تهران: نشر بقیه.
- (همتی، عبدالناصر (۱۳۶۹). مشکلات اقتصادی جهان سوم، تهران: سروش.